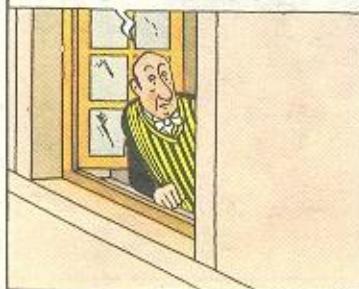




داورد از این طرف هیآن ، باید از  
زیر پنجه بزن . شاید بتونم ...



خوب ، آقایون ، اینجا کارهون قموم هیشه  
حالا تمکی همیم ژاندارمری .

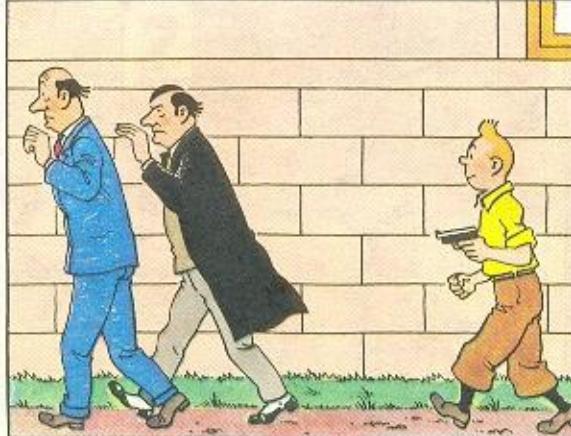


عو عو ...

کجا دارن هیرن ؟ ... آها  
فهیم داره پر و تو س را به  
لانهش همیره .



دست و پاچه نشی نستور ...  
دقت ... آهان ...



خو نسرد باش نستور !



بند جنس ! مثل اینکه ضربه زیاد  
کاری نبود ...



خوب رفیق ، حالا دیگه  
نوبت منه ...



ای داد !!

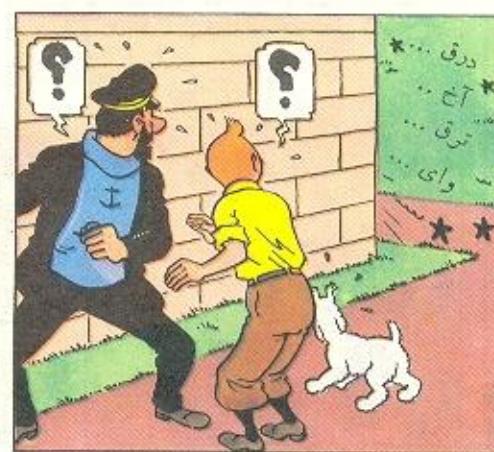


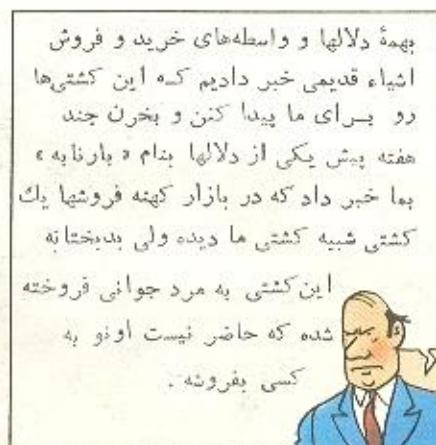
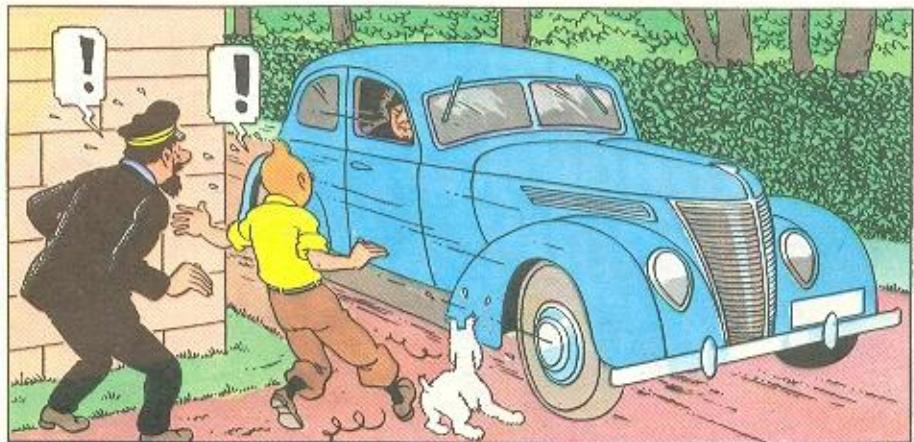
آماده برای ضربه  
دوم ا ... یاک ...  
دو ...











.... هیشه از ترس ایشکه هبادا او همه  
چی رو بشما بگه درست موقعی که داشت  
وارد خونه شما میشد ماکسیم با تبر  
زدش .

حالا فهمیدم ... راستی چرا  
منو ذذدیدی ؟



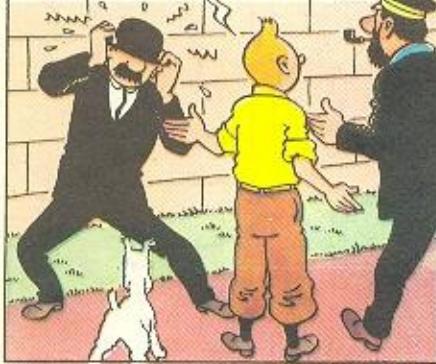
درسته اما بعد از ایشکه نقشه رو بیا داد  
بین او و برادرم ماکسیم سر دستمزد او  
اختلاف افتاد و دامنه اختلافات بالا گرفت .  
بارناوه بول پیشتری میخواست و برادرم  
نیمیخواست از قرارداد، پیشتر به برادرم .  
بالاخره بارناوه با عصبا نیت رفت و مارو  
تهدید کرد که از این خست پشممان خواهم  
شد . بعد از رفتنش ماکسیم ترسید که نکته  
این بی سروپا مارلو بده . سوار هاشین شدیم  
و تعقیب کردیم . ترسمنون بجا بود  
جون دیدیمش که داره به شما  
فرزدیک ...

بارناوه دست خالی پیش ما آمد اما یکدیگه  
بیادش اومد که یکی تو بازار میخواسته  
کفتی رو از شما بخره .

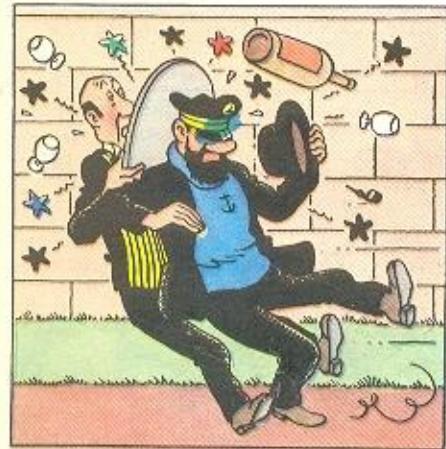
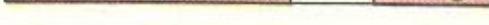
روز بعد بعنزل ساخارین میره  
بیهودش هیکله و نقشه سو ۴ رو  
بدست هیاره ....



بیا کاپیتان باید به این بدبخت کمل  
کنیم ...

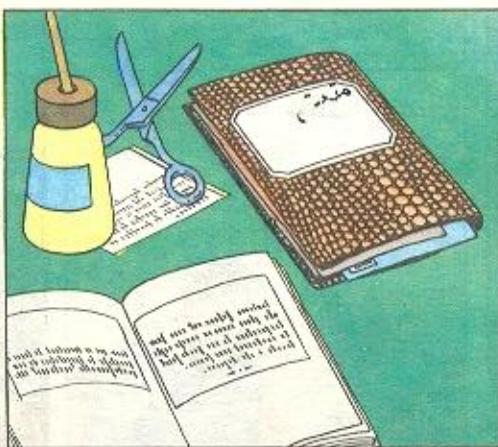


بالاخره موفق شد کلاه منو در بیاره ....



هو اظیل باش محکم بکین



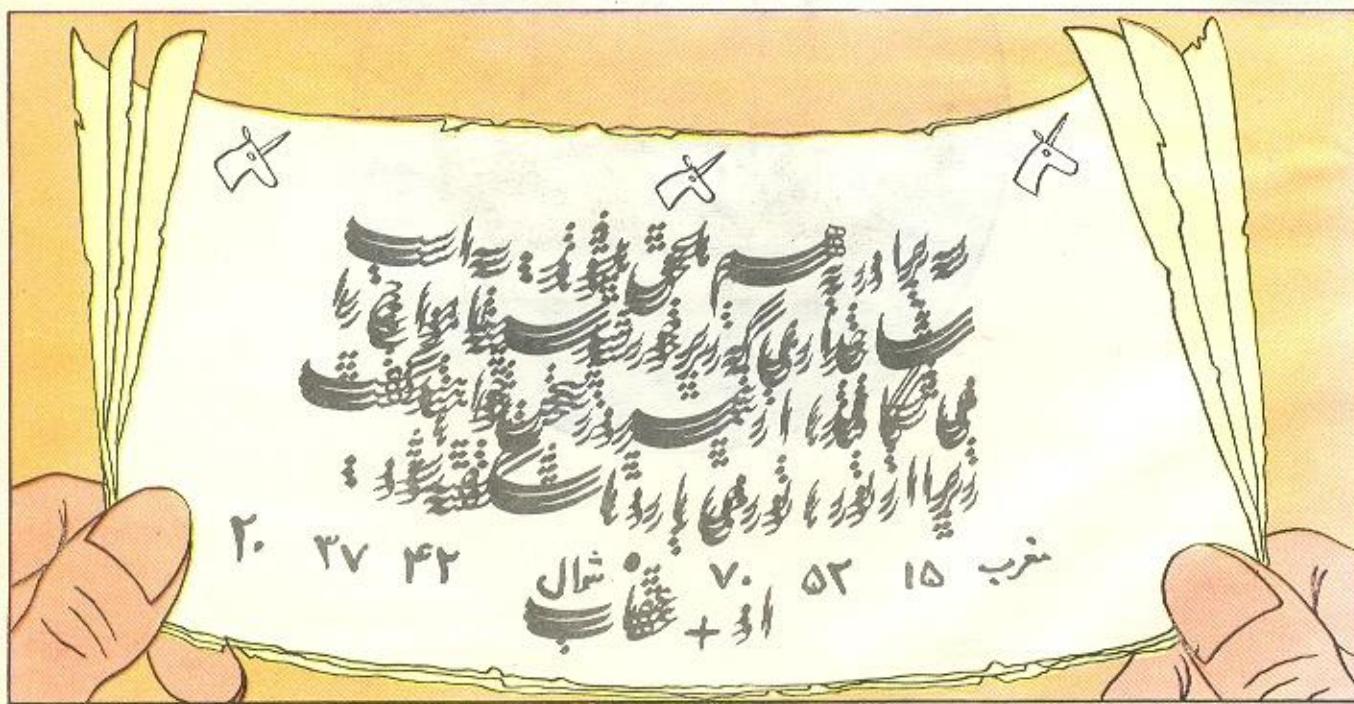
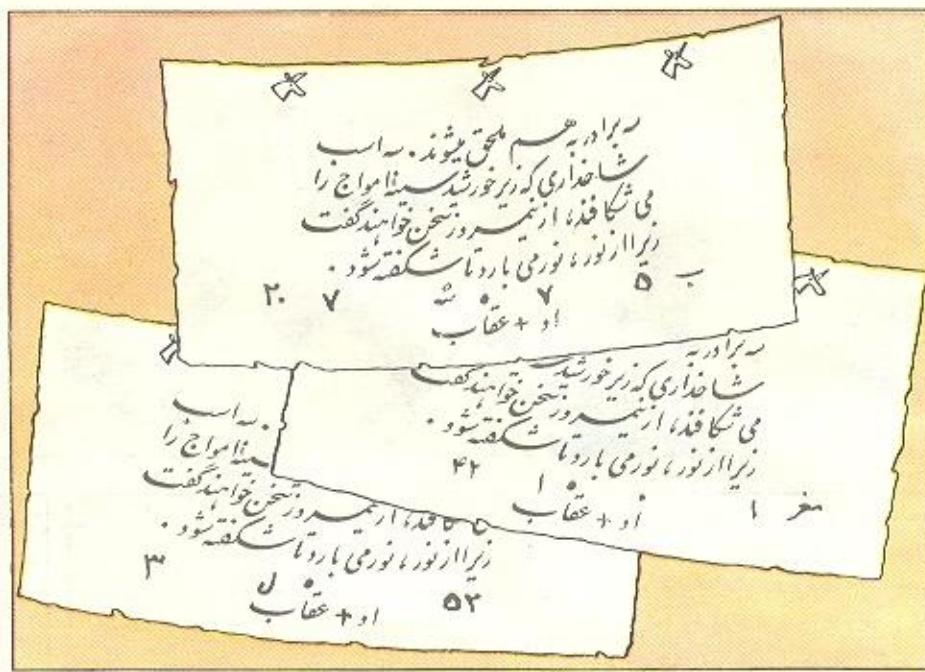


... و به کلکسیون اضافه هیکتم ....

خیلی جالبه یه فال بکارم  
بد نیست حرف «ب»



هر ده شورش ببره توهر چقدر دلت میخواهد  
این لعنتی هارو بخون من که دیگر حوصله ام  
سر رفت، از گنج این ناکس را کام قرمن  
هم گذشتم. صد لعنت به ایل و تبار این  
کله پوک بی هصرف. اریس این کاغذ های  
پندتی خاصیت رو نگاه کرد تنهه امید  
او ف...  
.



خوب کاپیتان کی راه می‌افکیم برایم

گنج رو تصاحب کنیم؟

کی راه می‌افکیم؟ ...



طول جنراویائی و عرض جنراویائی

... که محل غرق شدن کشته

اسب شاخدار رو نشون هیده



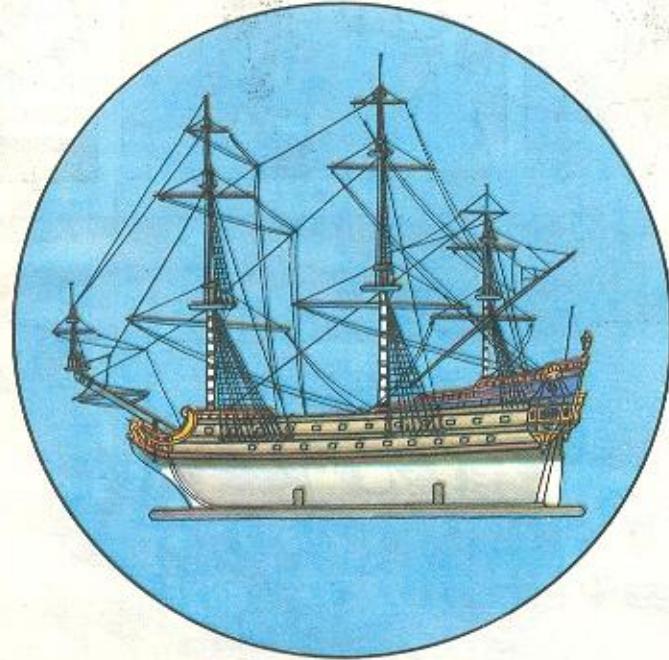
البته بدون اشکال به این گنج نمی‌ریم  
حتماً رسیدن به این گنج باز با حوادث  
و هاجراهای پیشماری رو برو خواهیم شد.  
این هاجراهها را در «گنج راکام قرمز»  
برای شما تعریف خواهیم کرد.

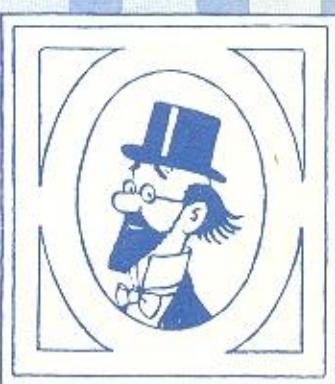
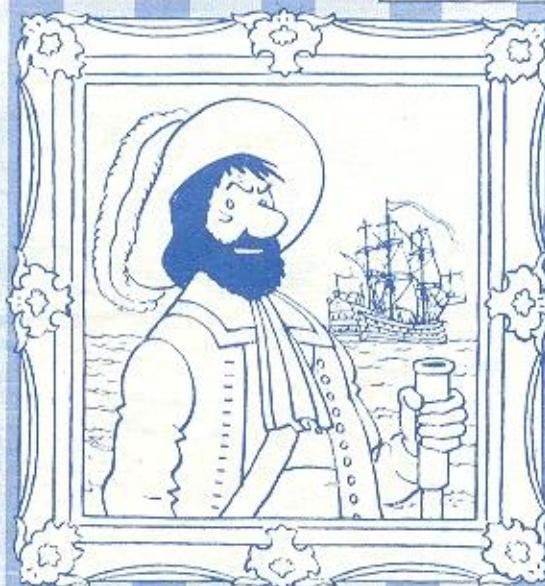
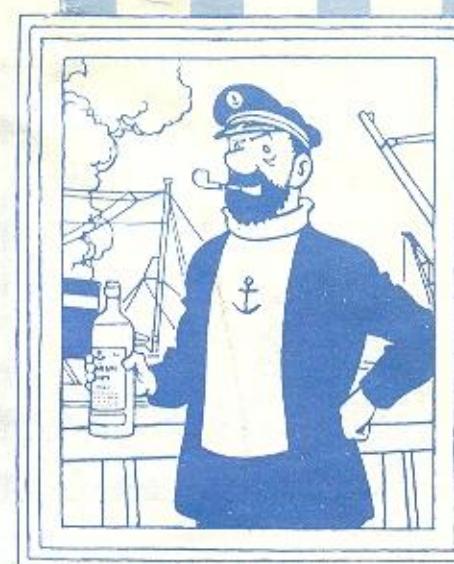


او لاما بدیه کشته احتیاج داریم .... میتوانیم کشته  
کاپیتان «چیتر» که یکی از دوستای منه کرایه  
کنیم ... بعدش هم ملوان و جاشو و لوازم لازم  
.... همه اینکارها وقت میخواهد .... شاید

یک هاه طول پکش ... بله یکماه .. یکماه دیگه

راه می‌افکیم





دوره کامل ماجراهای « تن تن و میلو » را بصورت کتابهای  
مصور رنگی ، بشرح زیر خواهید خواند :

هفت‌گوی بلورین	جزیره سیاه
محمد آفتاب	هدف کره ماه
تن تن در سرزمین طلای سیاه	روی ماه قدم گذاشتم
ماجرای « آورنسن »	اسرار اسب شاخدار
انبار ذغال سیگ	تن تن در گستاخ
تن تن در بت	سیغارهای فرعون
جواهرات « کاستافیور »	صل آبی
گنجهای « راگام »	سوش کنده شده
سناره اسرار آمیز	عصای اسرار آمیز
تن تن در آمریکا	خرچنگ پنجه طلائی

پرواز شماره ۷۱۴

انتشارات یونیورسال چاپ و نشر داستانهای مختلفی بنام جزو های « تن تن » را آغاز نموده . با جمع آوری این جزو ها ، مجموعه ای زیبا و بی نظیر از داستانهای مصور خواهید داشت .

انتشارات یونیورسال : صندوق پستی ۱۸۵۸ - تهران

قیمت فروش در تمام ایران ۳۰۰ ریال

